

دبستان

دارا
سارا

بابا
نان
دارد



وزارت آموزش و پرورش

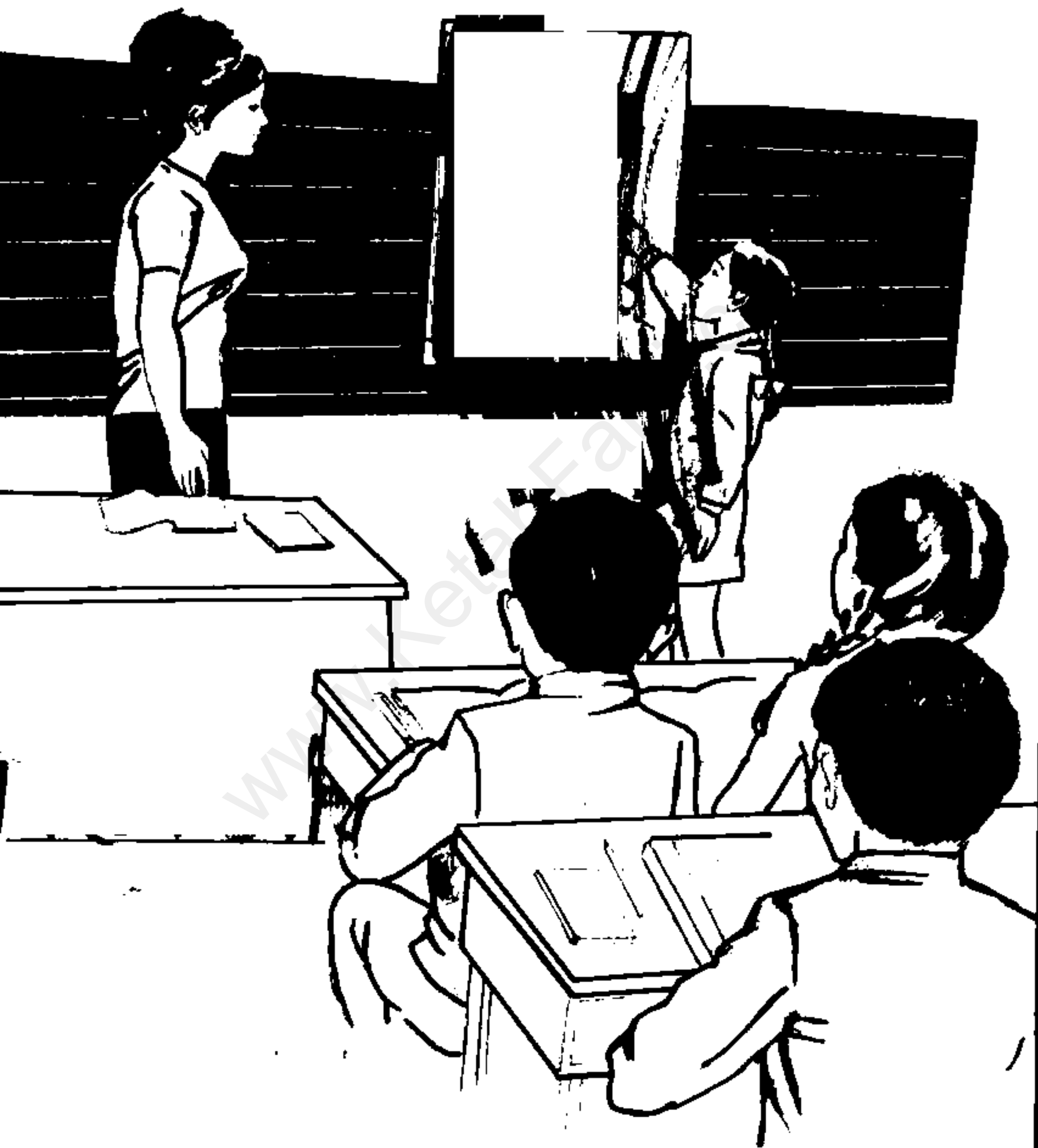
توانا بود هر که دانا بود

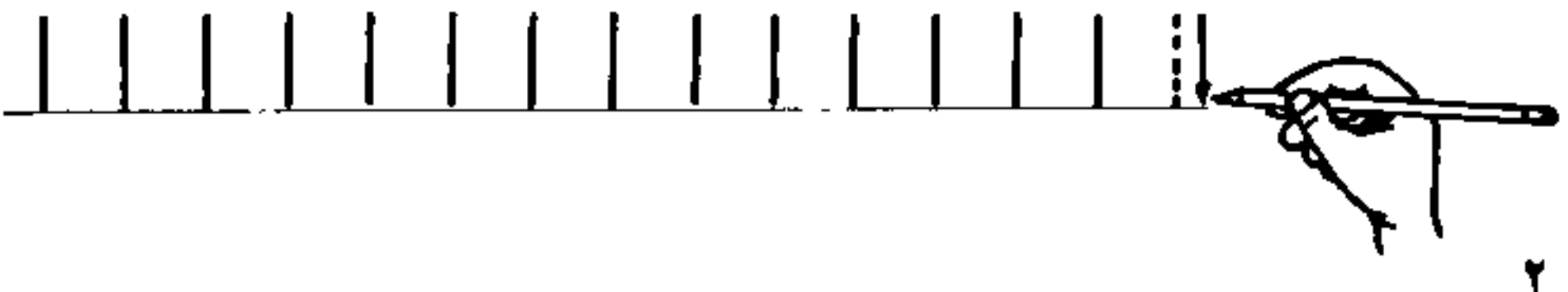
فانسی

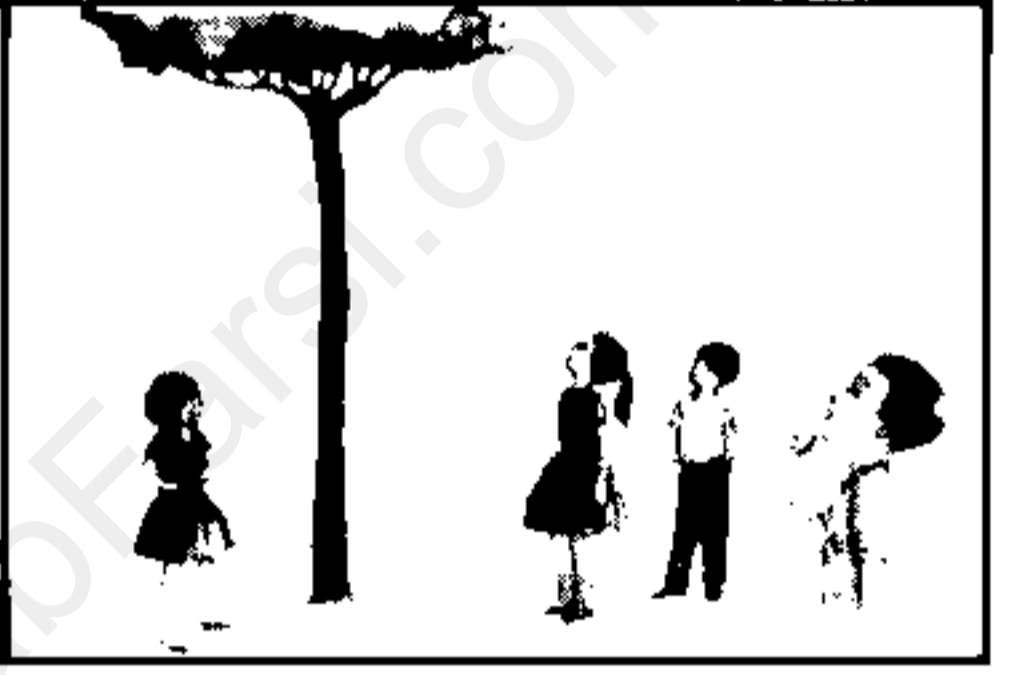
مدرسه دبستان

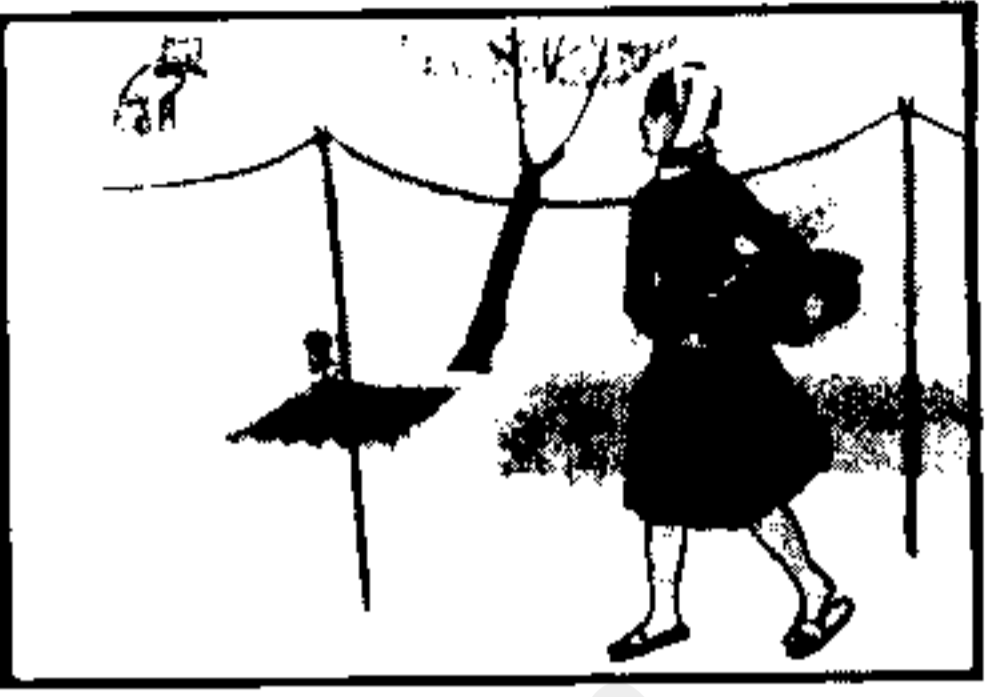
مدرسه در اطلاعات کتاب منتشره

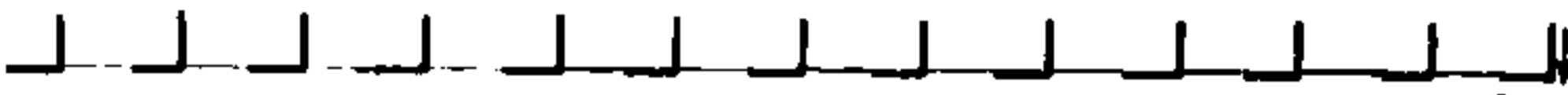
۱۳۵۷

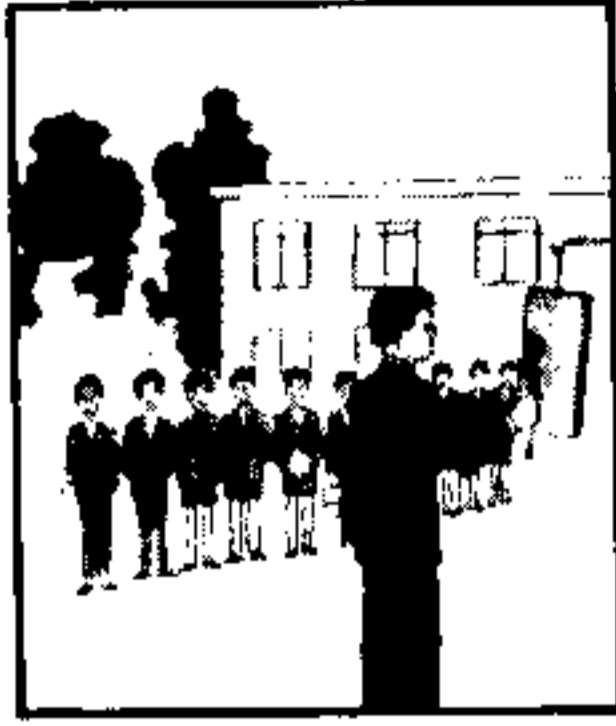
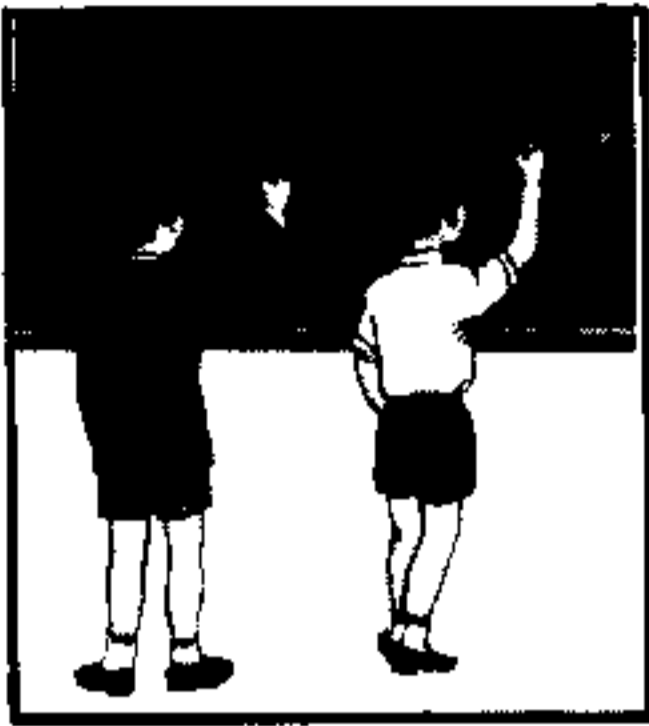


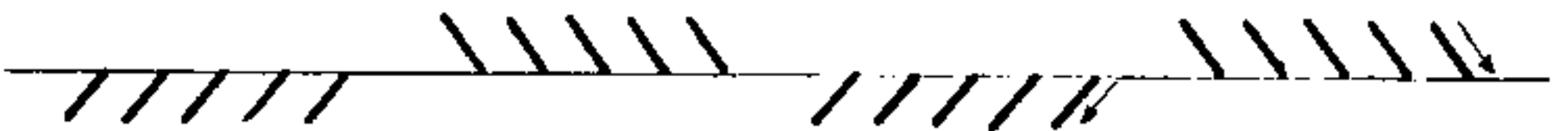
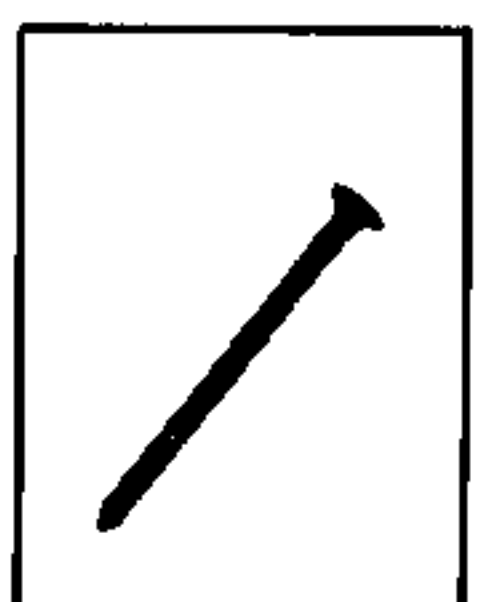
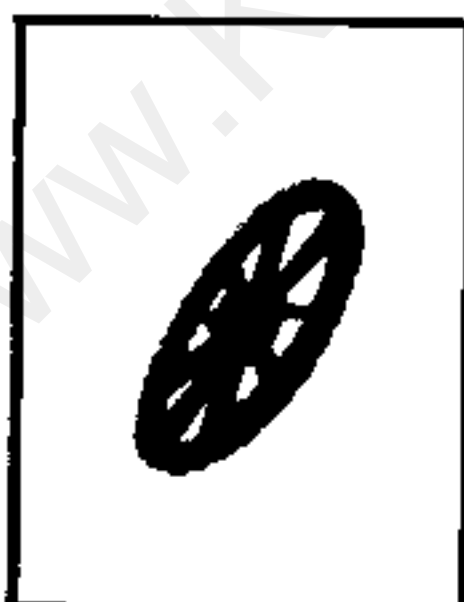
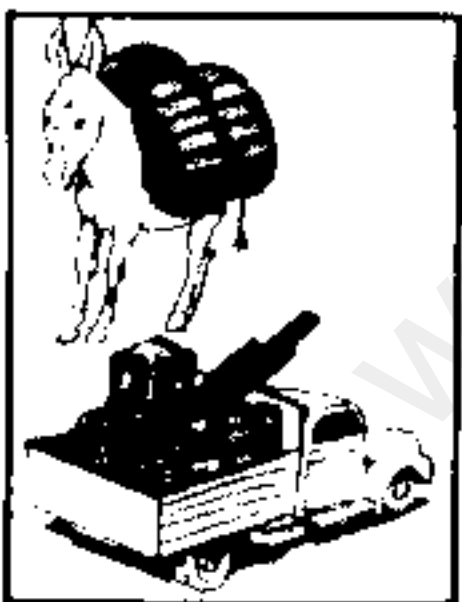
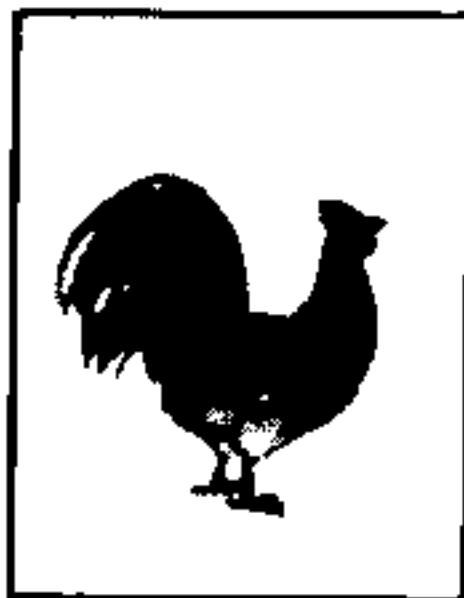
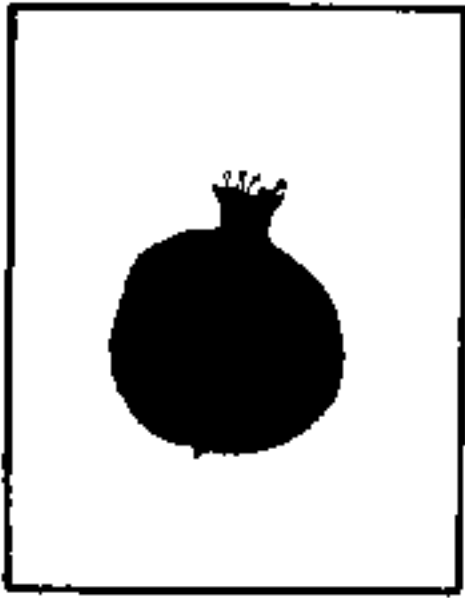


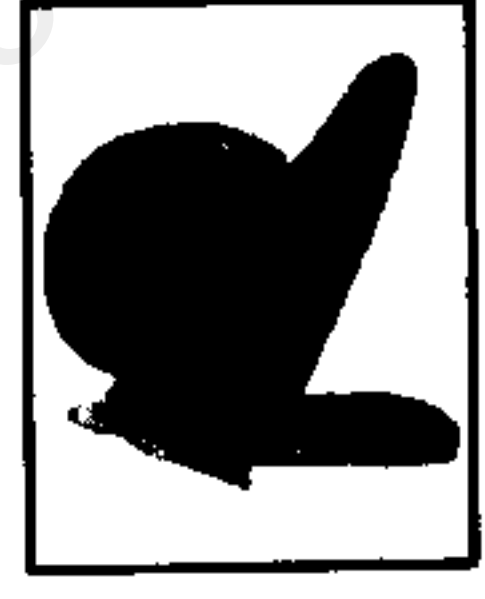
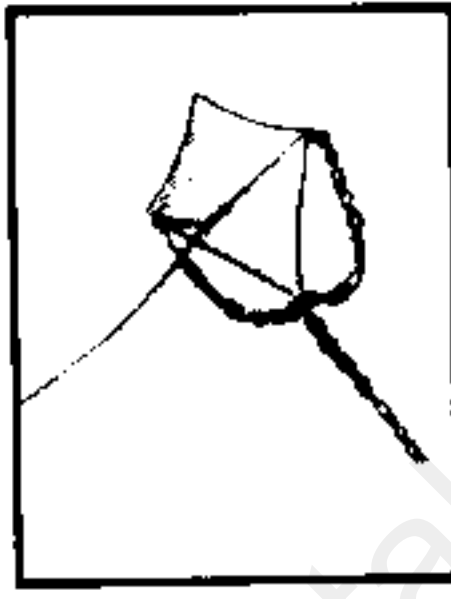
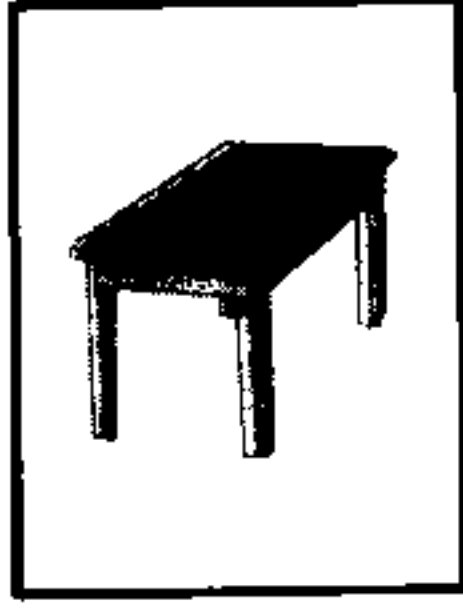
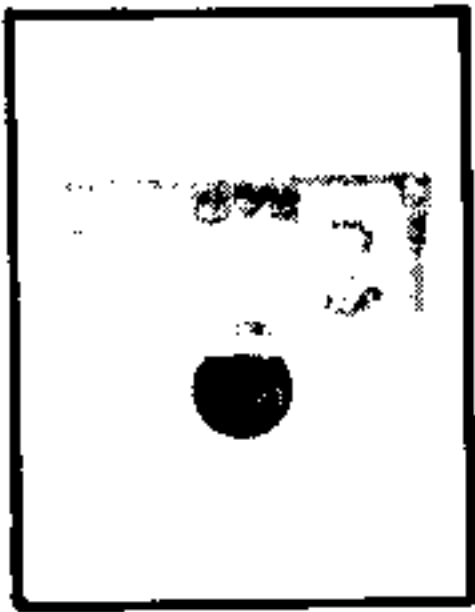


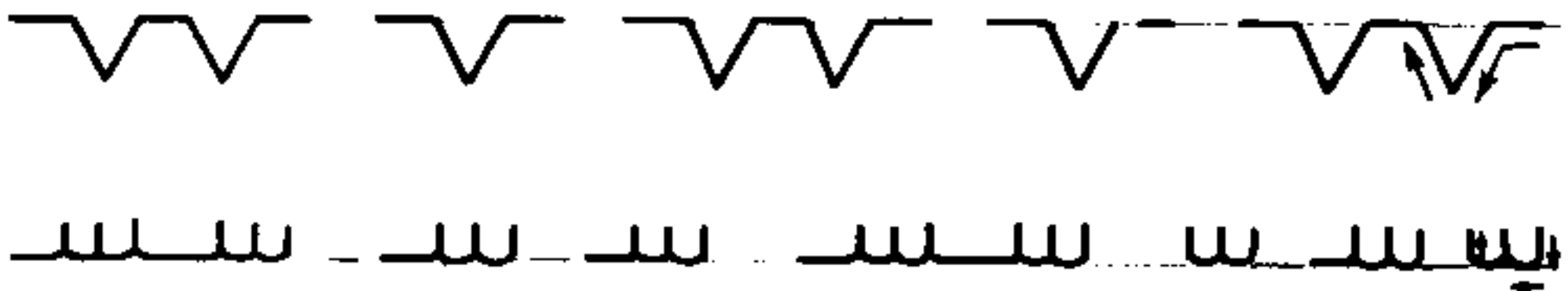
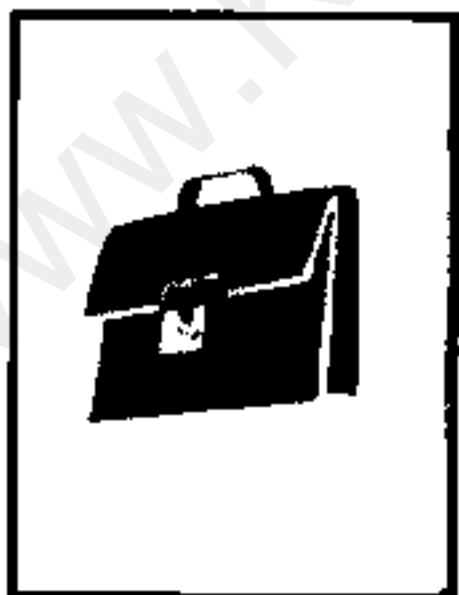
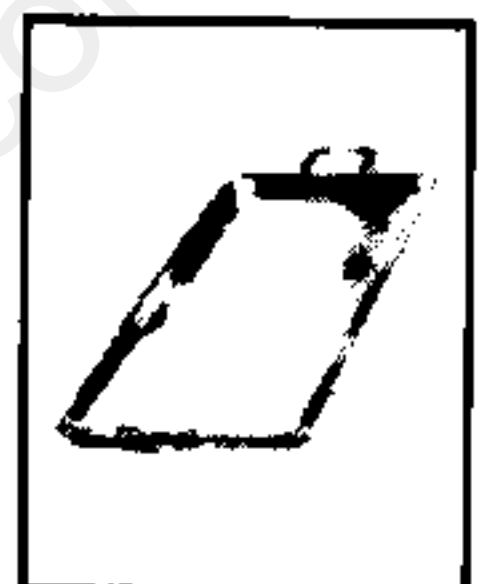
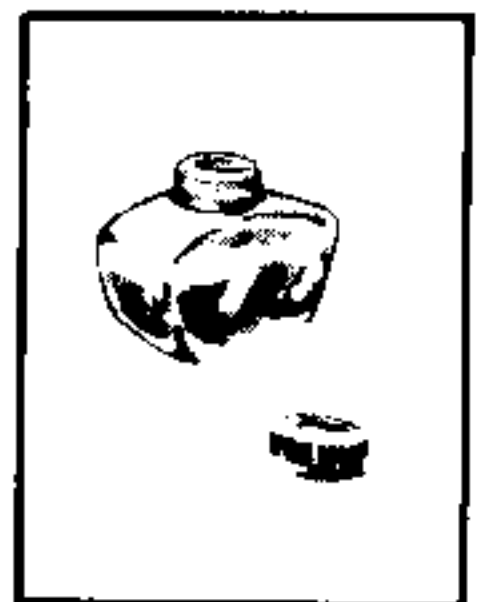
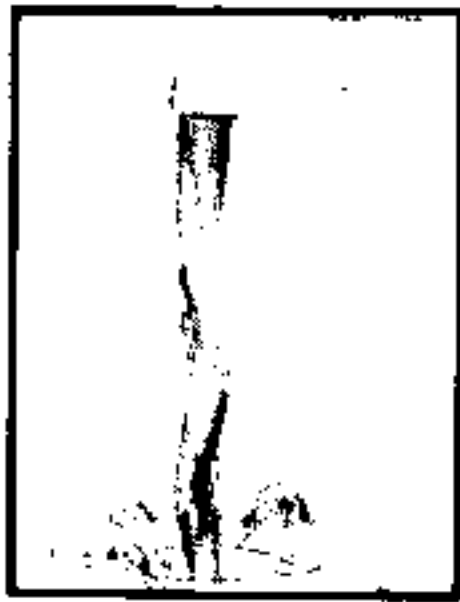
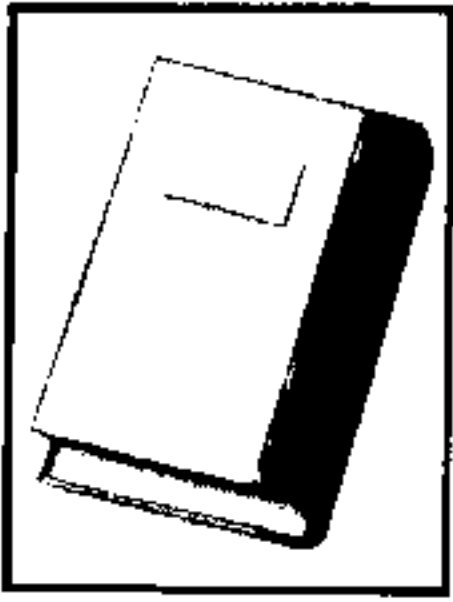


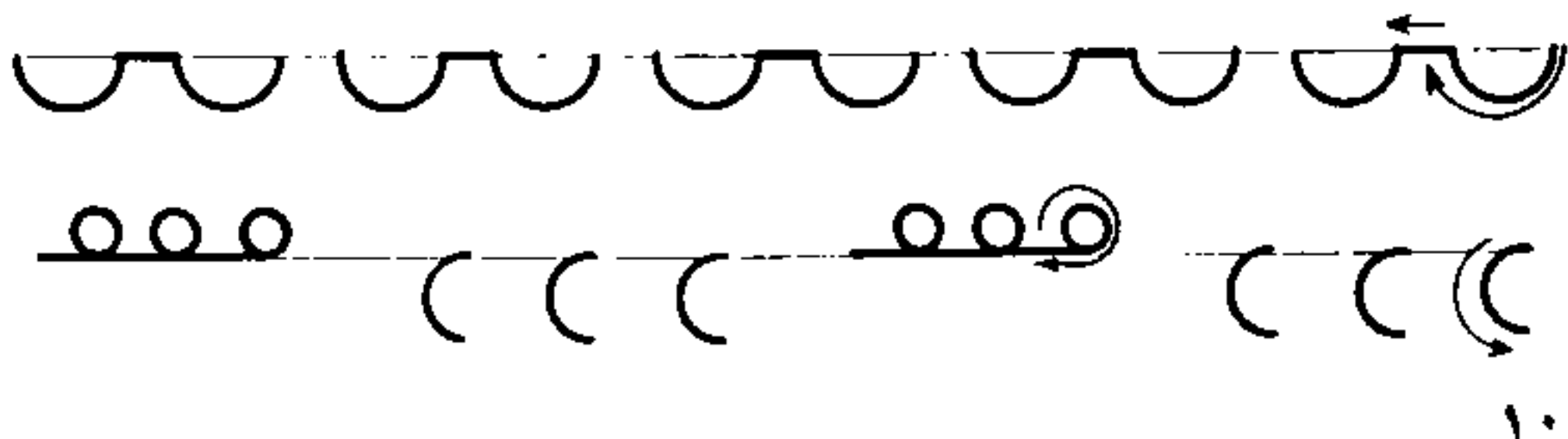
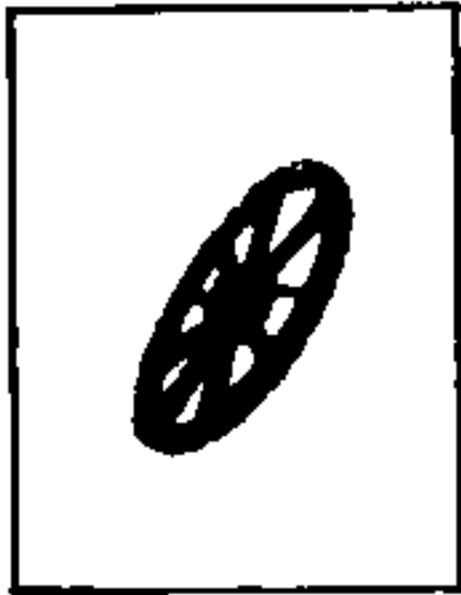
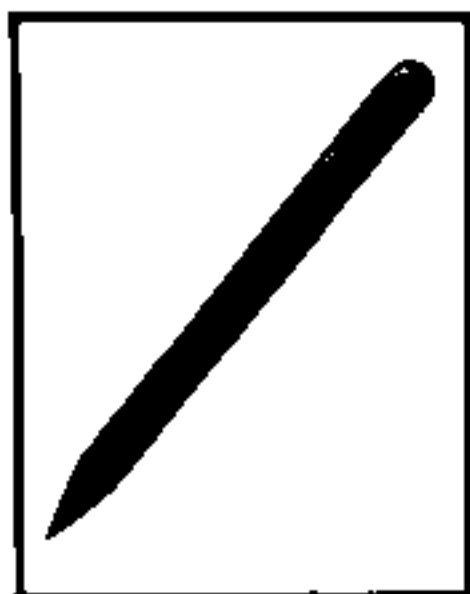
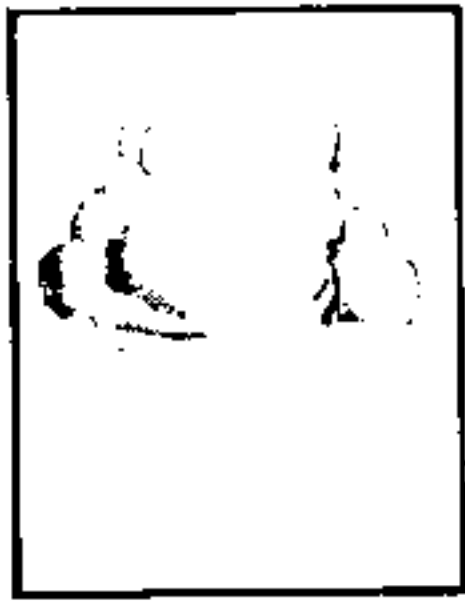


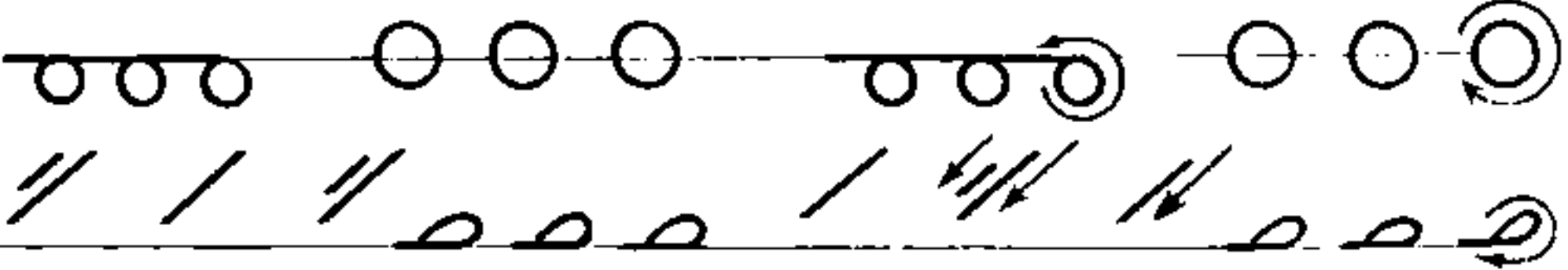
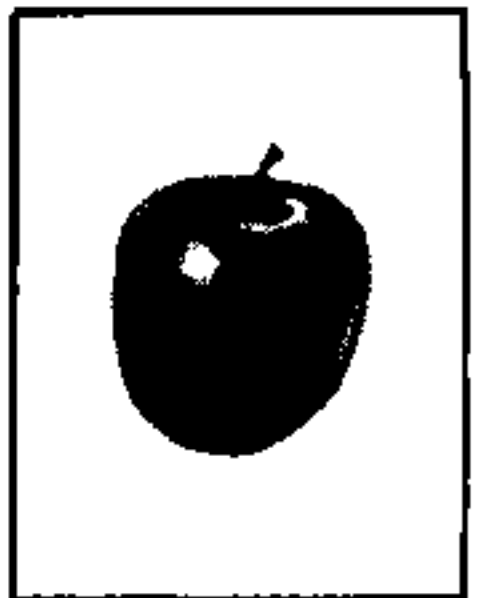
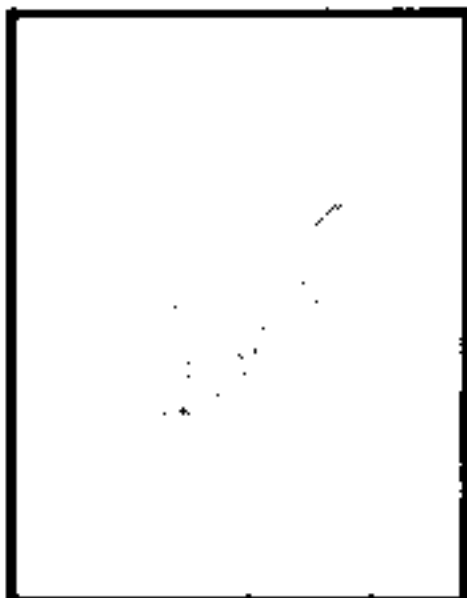
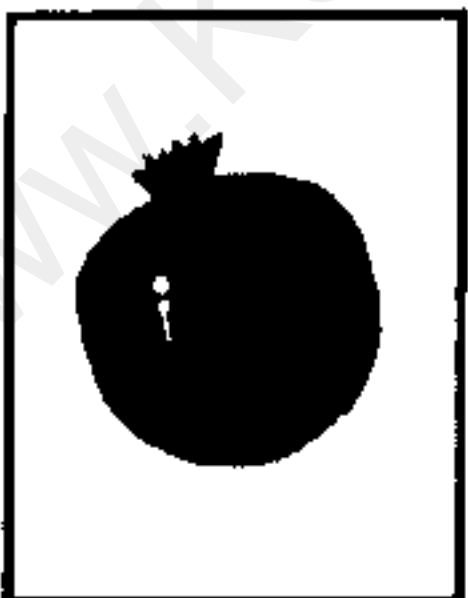
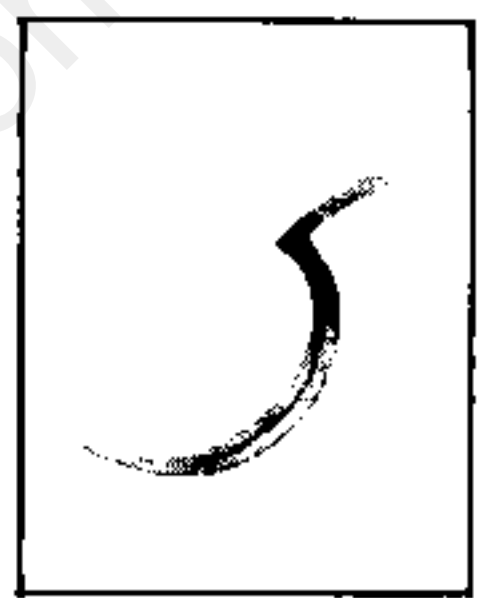
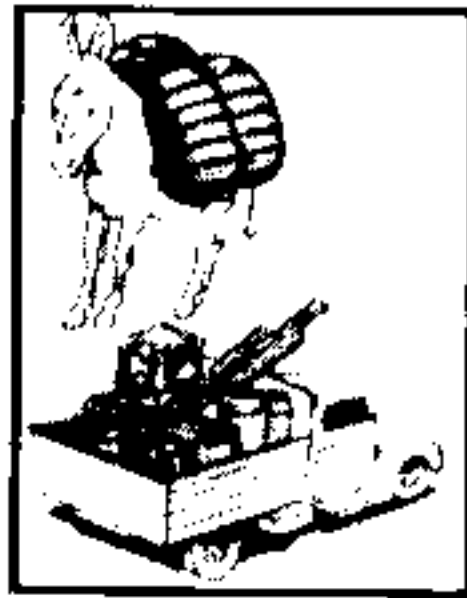


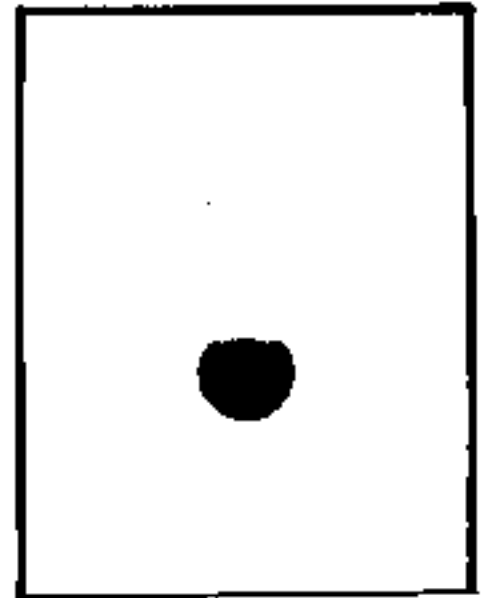
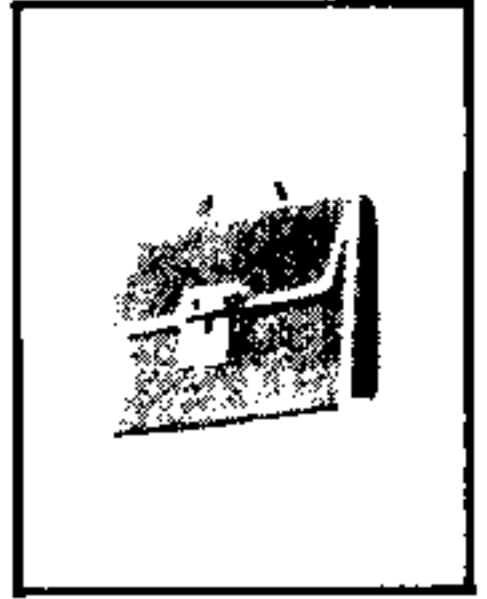
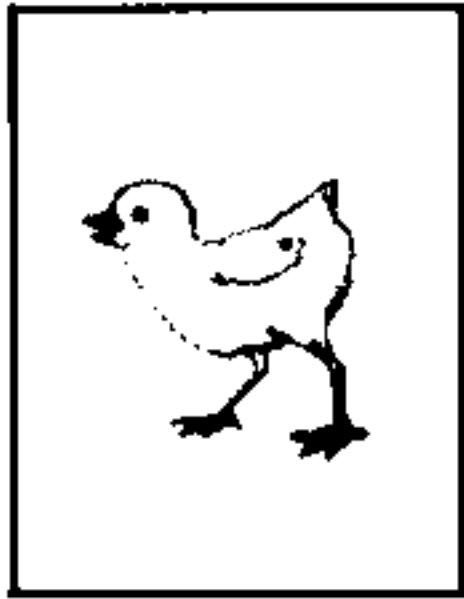






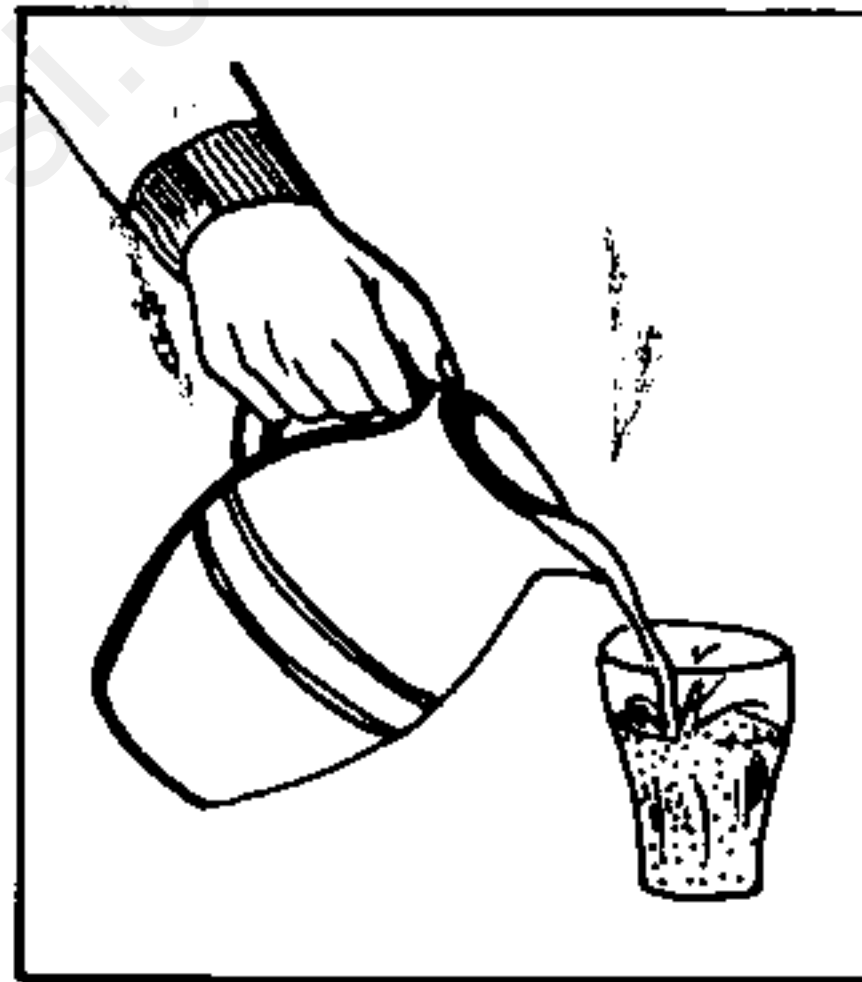
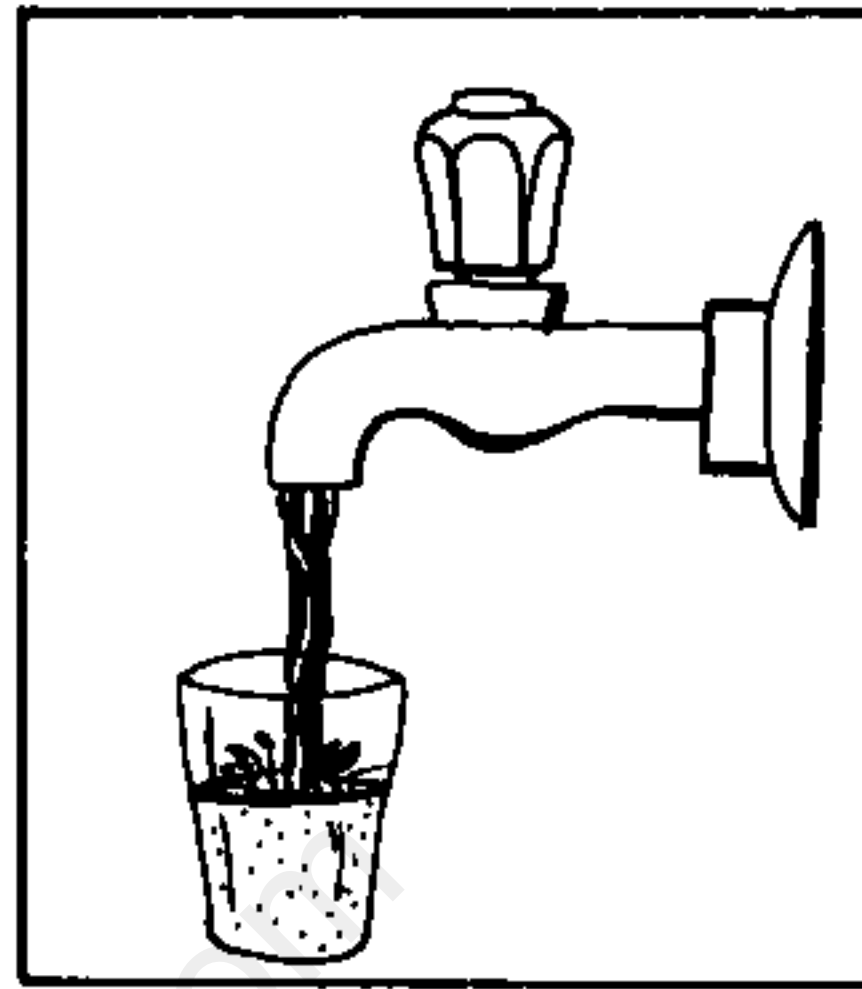






••• • ••• •• •

◌ ◌ ◌ ◌ ◌ ◌ ◌ ◌



ab = water

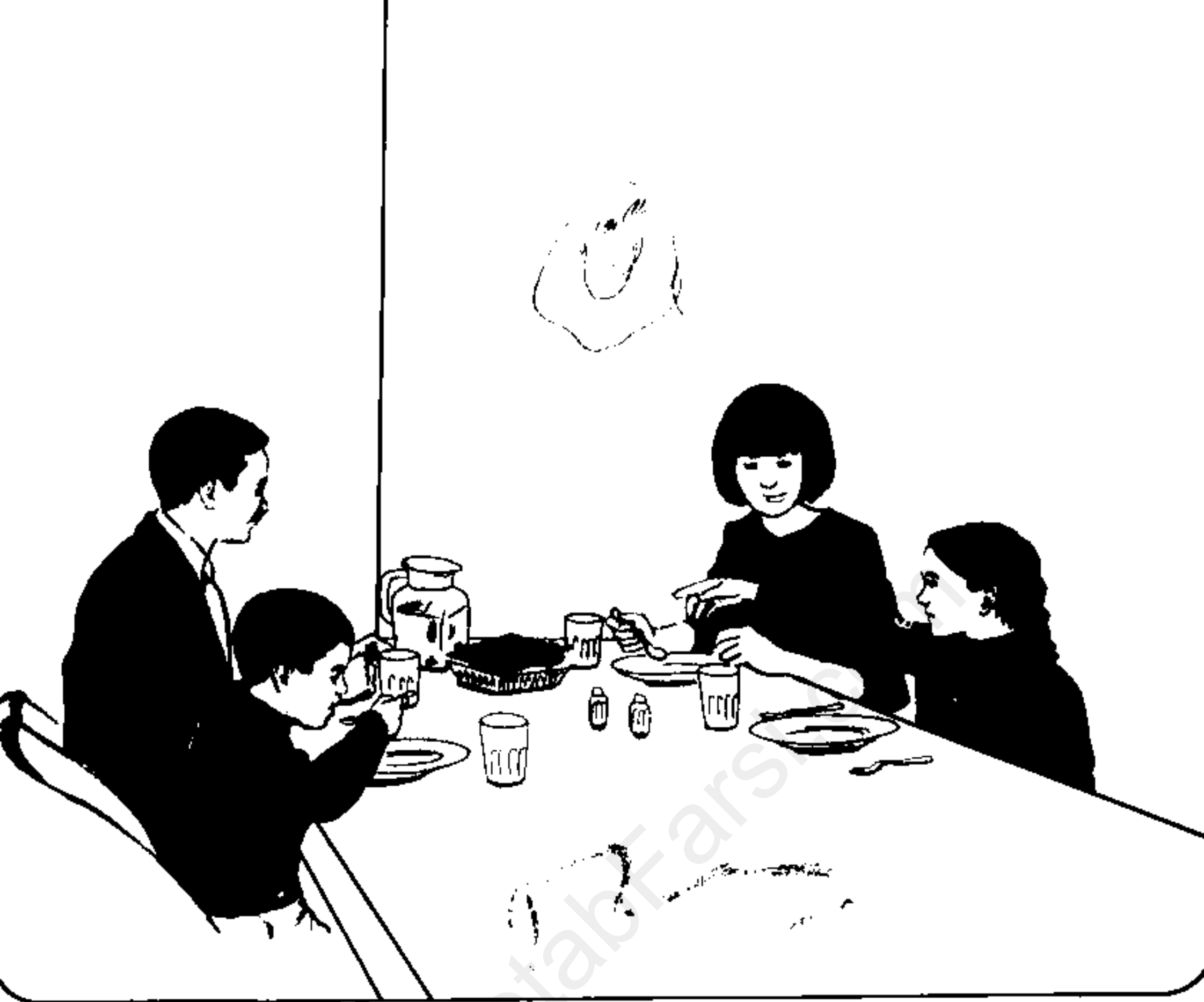
آب آب

آب آب

آ ب

A

B



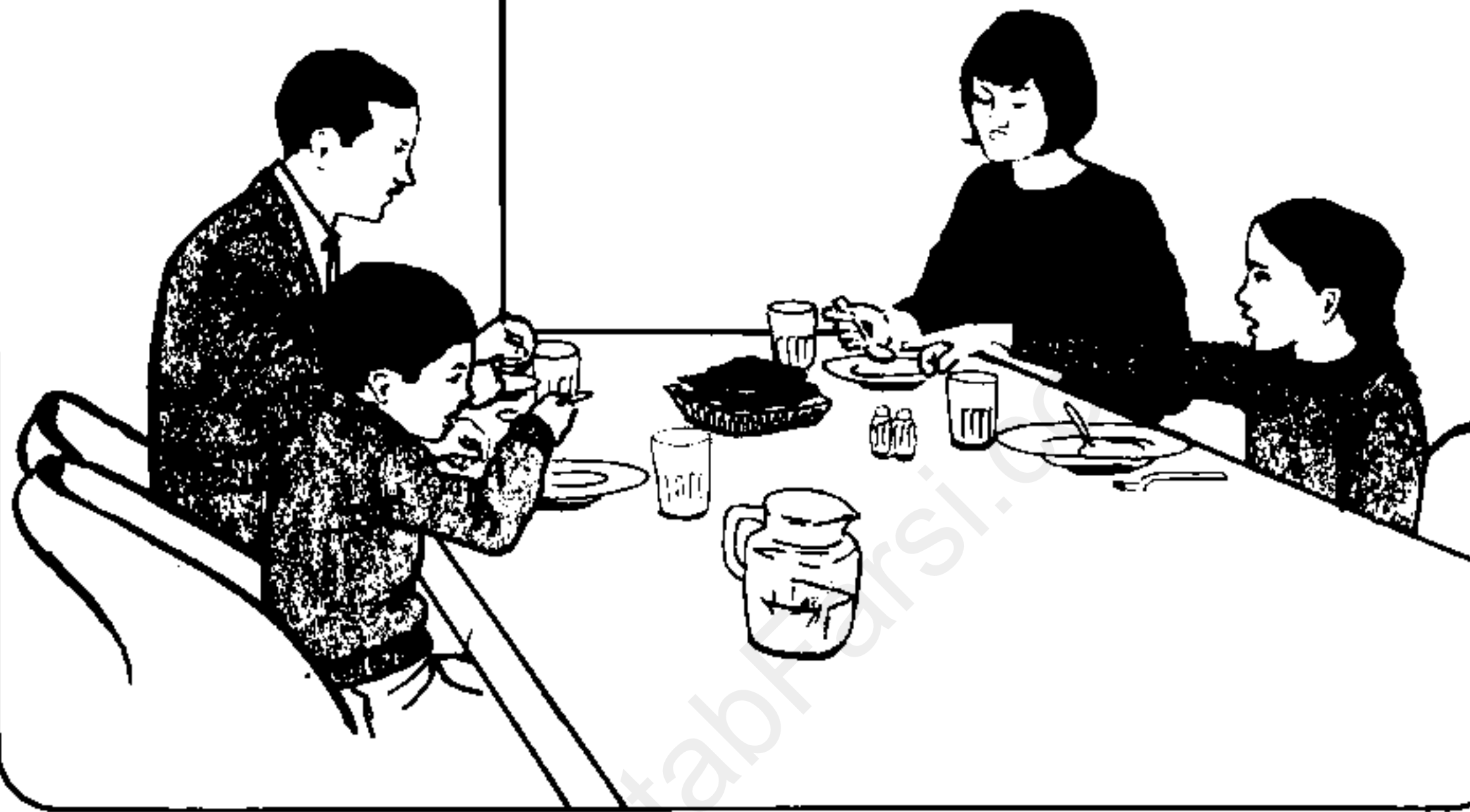
بابا بابا

بابا آب!

بابا آب!

ا ا ب ب

ا ا
A A
ب ب
b b

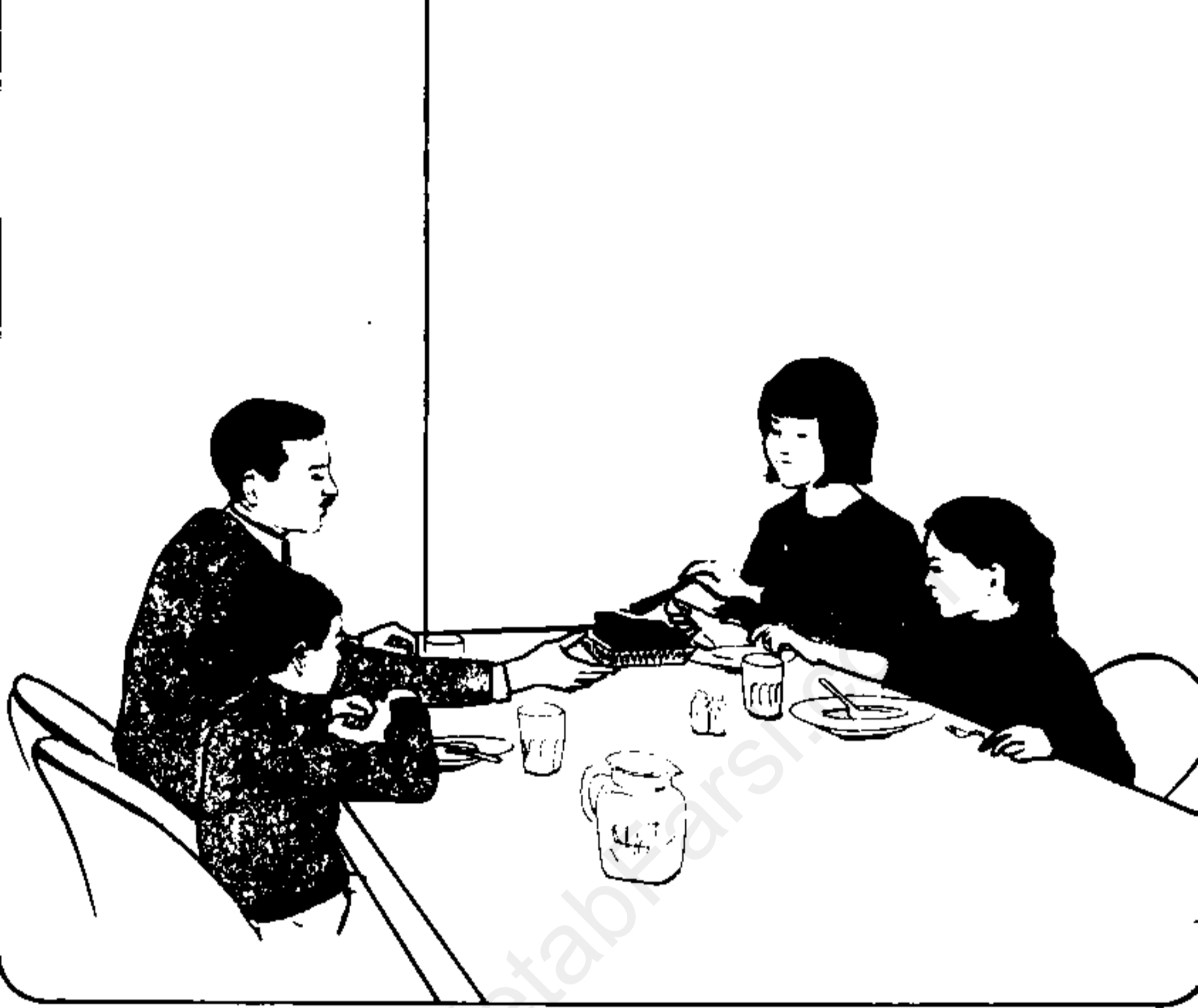


نان نان

بابا نان!

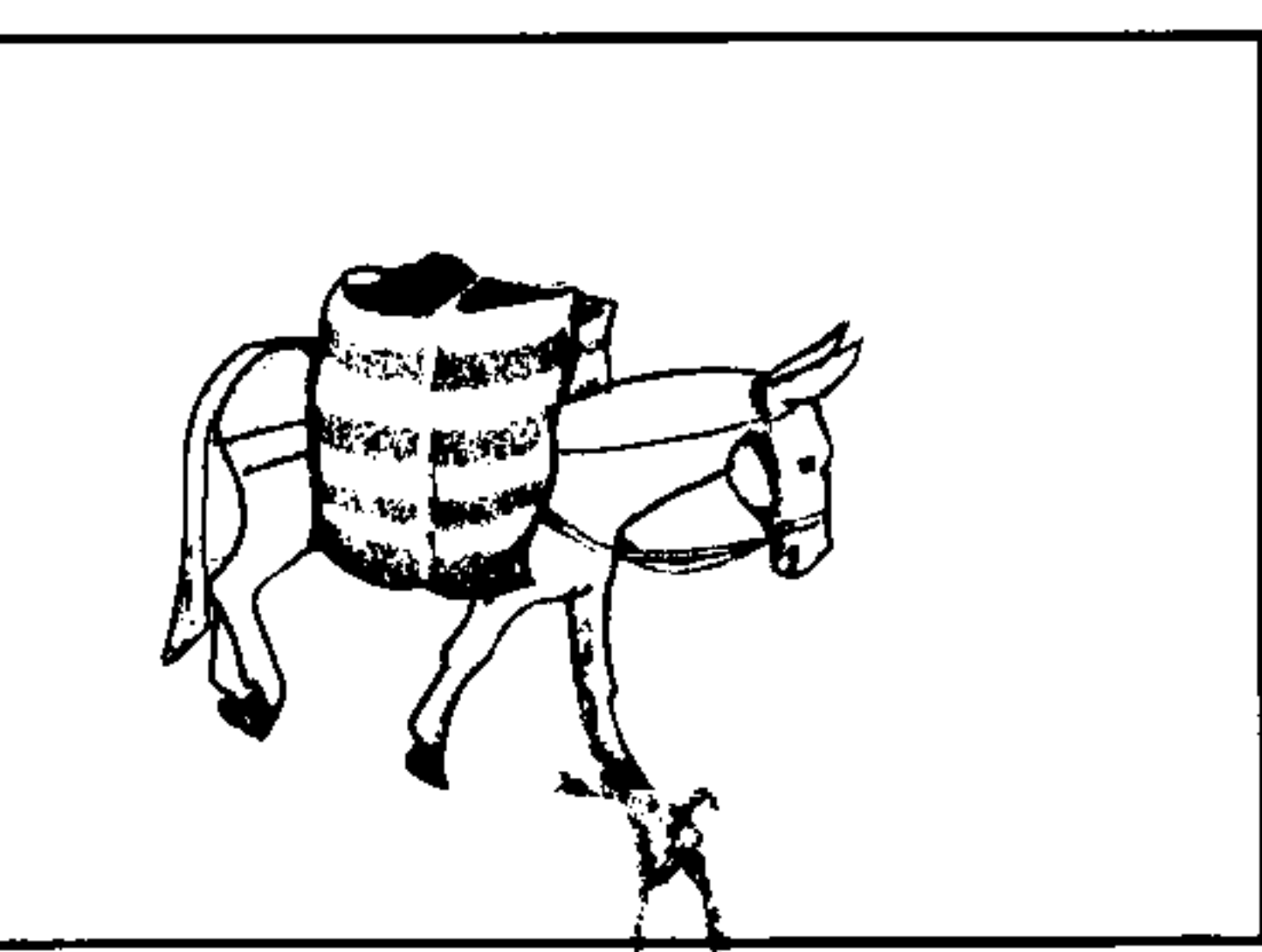
بابا نان!

ن ن



بابا نان داد .

بابا آب داد .



بار



باران



دارا

۵



دارا آناز دارد .

بابا آناز ندارد .

bu ná da >
na ná ka >



بابا داد .

بابا نان داد .

بابا نان داد .



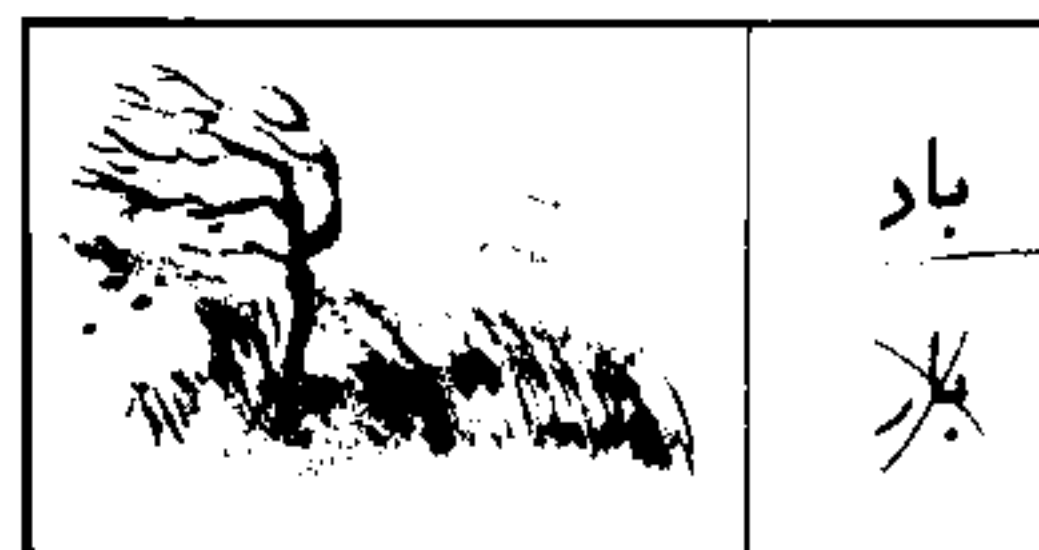
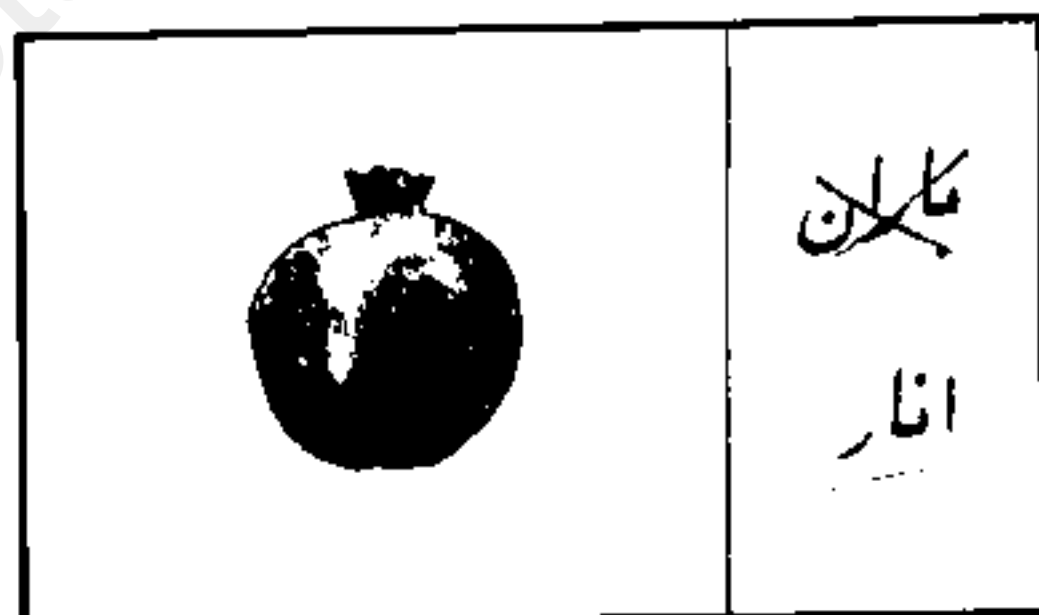
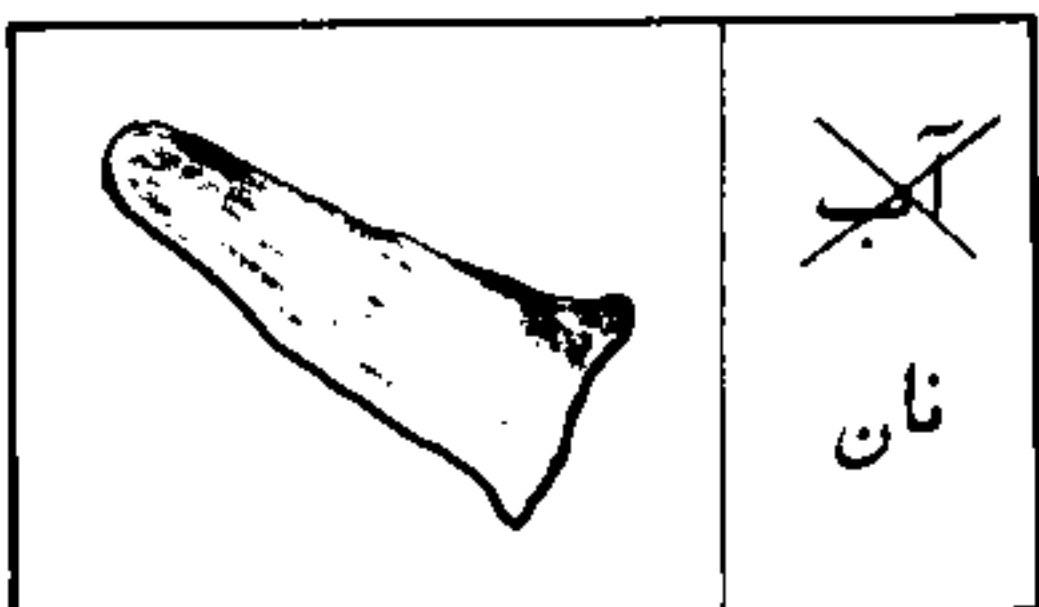
دارا دارد .

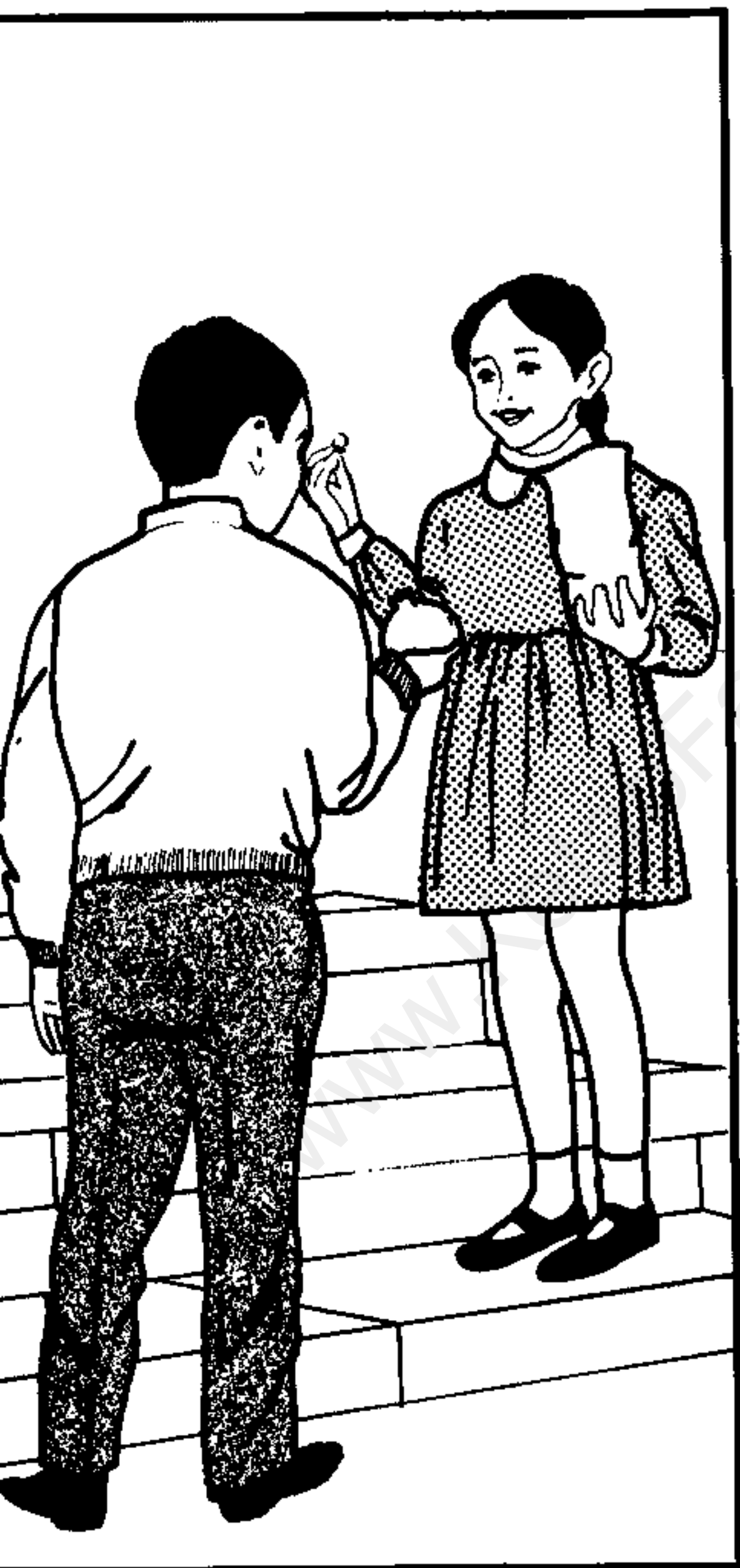
دارا دارد .

دارا دارد .

بابا دارد .

آب
نان
بار
باد
آنار
دار
بارن
بابا





دارا بادايم نكارد
من بادايم دازم

دارا انار دازد
من انار نكازم

im



آبر بود .

باد بود .

باران بود .

آن مرد آمد .

او در باران آمد .

او و

have * آن مرد داس دارد .
men hat

آن مرد اسب دارد .

آن مرد سبدر دارد .

آن مرد آمد .

او با اسب آمد .
came horse with she a he

س



آن توت است.

آن توت در سبد است.

سارا توت دوست دارد
Sara has like mulberry

او توت در دست دارد.

توت

دَسْت آب دَارِ باران سارا اَبر
 بود او نان آن بابا مَن اَسْت
 دَر اَسب سَبَد نَدارد بَادام مَرَد
 اَمَّا نَدازم دازم داس توت بارِ

ب

ن

آ
آب

د

س



باد آلا .

آب آلا .

باران

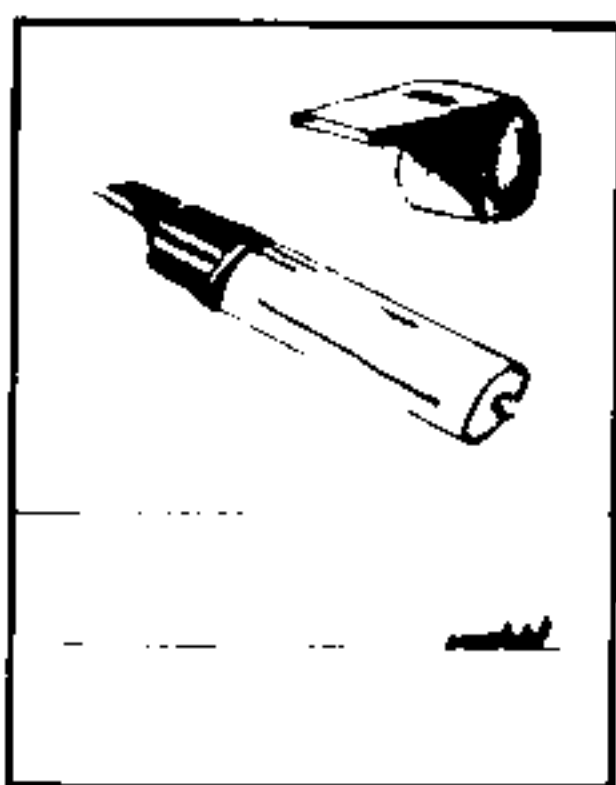
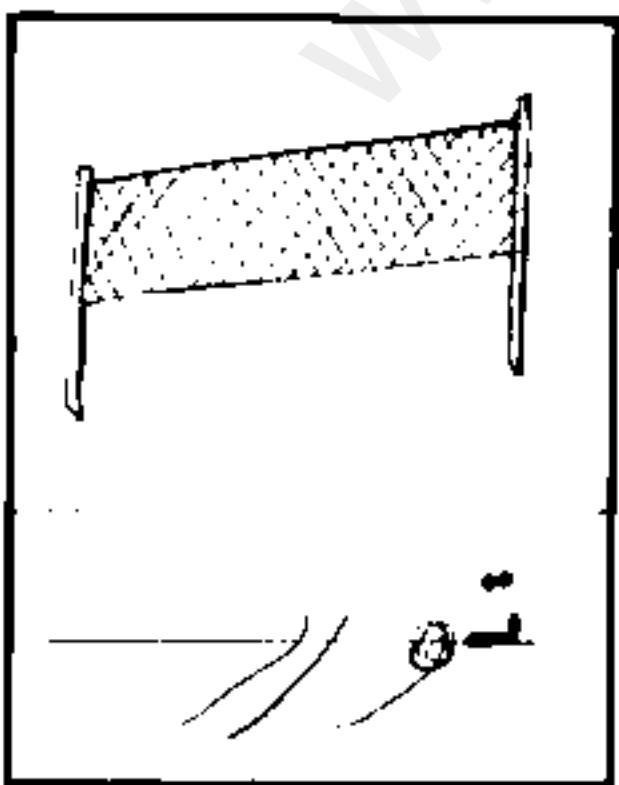
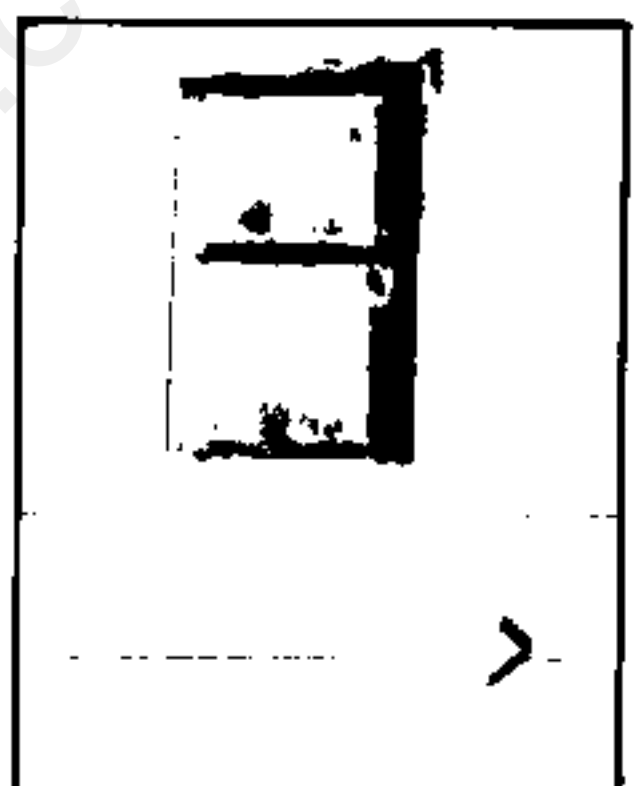
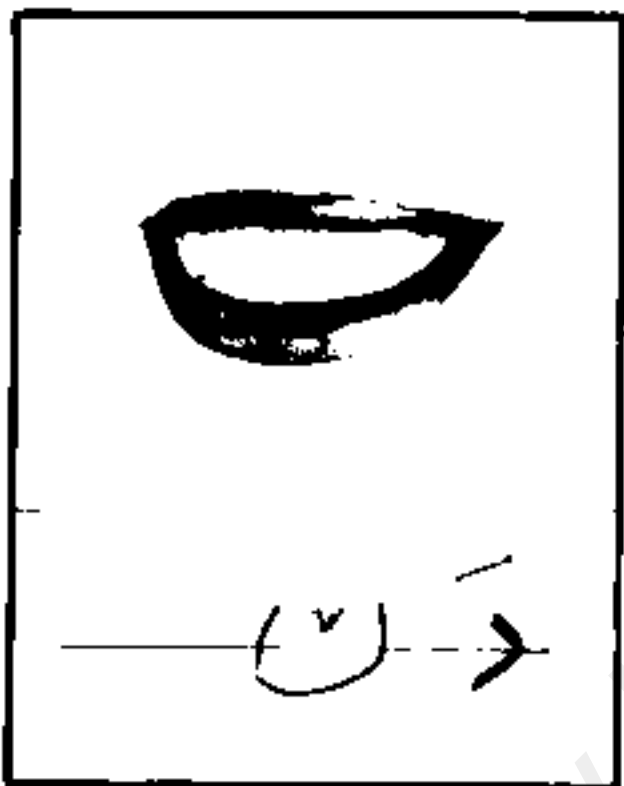
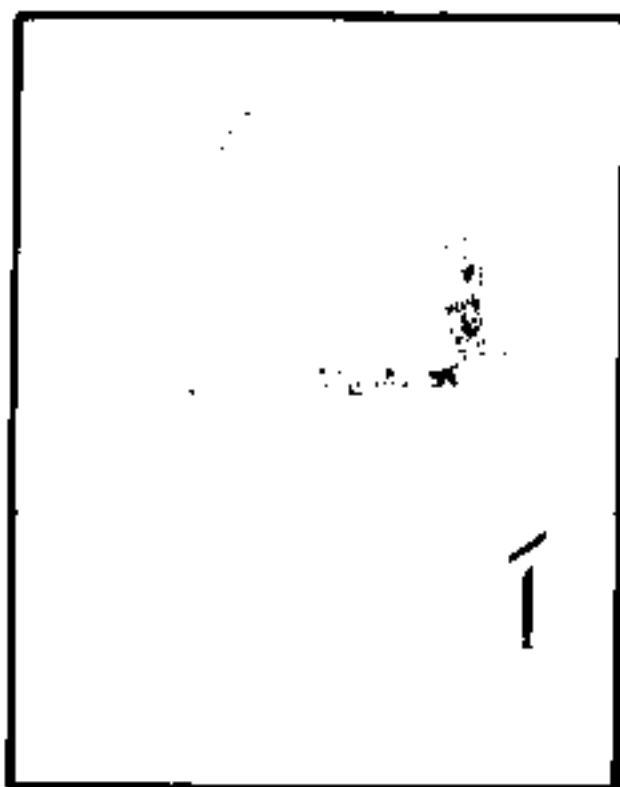
آسب آست .

آسب در باران

مرد اسب دارد .

اسب

هن



سارا در بازار بود.

مادر در بازار بود.

سارا با مادر در بازار بود.

سارا با مادر از بازار آمد.





آن بادبازگ است .
اکبر بادبازگ دارد .
اکبر کوچک است .
اکبر با دارا دوست است .
ک ک

این کودک زری است.

زری با سارا دوست است.

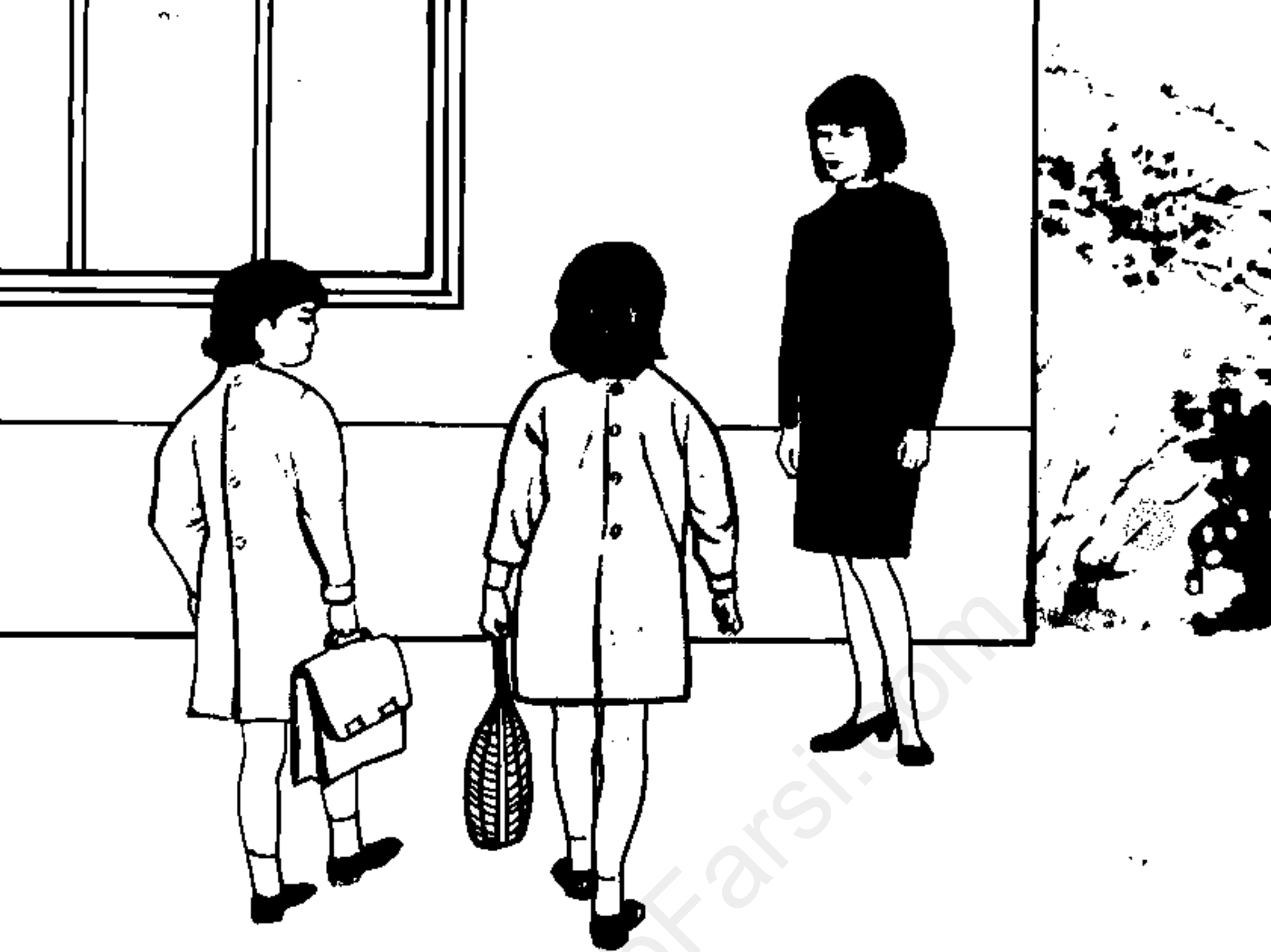
سارا سینی در دست دارد.

در این سینی سیب است.

زری از سینی سیب بره‌ی دارد.

ای پامی





زیور و زیبا آمدند .

زیور و زیبا کار دارند .

زیور و زیبا درس دارند .

مادر زیور و زیبا را دوست دارد .

و

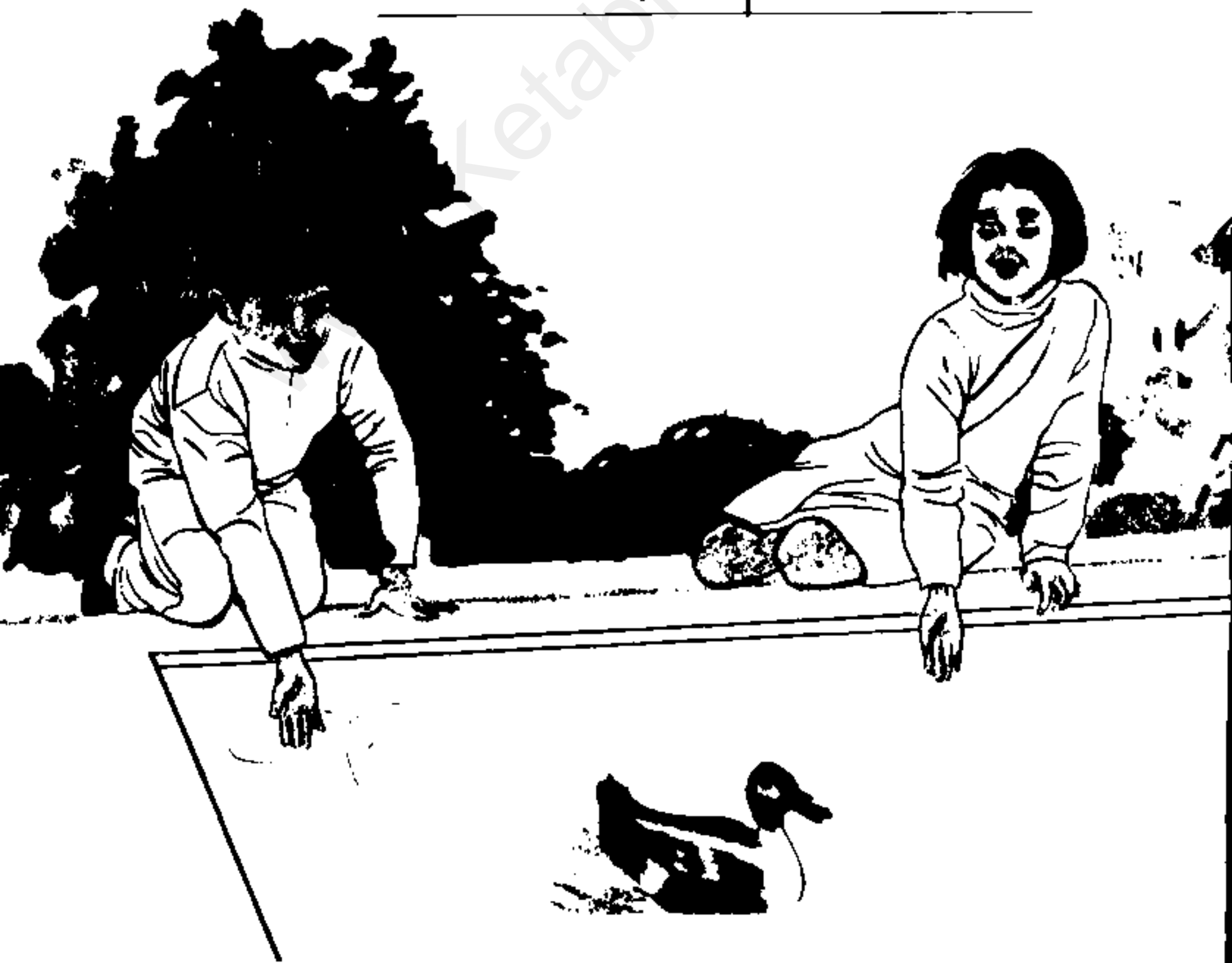
اُردک

سارا و دارا بازی می کنند .

دارا اُردک را در آب می اندازد .

اُردک در آب بازی می کند .

اُردک آب بازی را دوست دارد .





توپ بازی

پرویز و پروین بازی می کنند .

پرویز و پروین توپ بازی می کنند .

پروین توپ را می اندازد .

پرویز توپ را با پا می زند .

پ پ

باران می بارد .

تند می بارد .

آن مرد می رود .

او در می رود .

او تند .

